

نگاهی به «راه دور و دراز خانه» اثر اووه تیم

حکایت جذاب یک موش فسقلی

آرش شفای



نام کتاب: راه دور و دراز خانه
نویسنده: اووه تیم
مترجم: الهام مقدس
تصویرگر: تاتیانا هاپت مان
ناشر: انتشارات ایران بان
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۶
تعداد صفحات: ۱۰۰ صفحه
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۵۰۰ تومان

«اووه تیم» را ما ایرانی‌ها خیلی دیر شناختیم. «محمود حسینی‌زاد»، همین چند سال پیش با انتشار ترجمه‌ی فارسی کتاب «مثلاً برادرم» نشان داد که سال‌ها چهره‌ی یکی از نویسندگان برجسته‌ی نسل درخشان پس از جنگ جهانی دوم در آلمان زیر سایه‌ی نام‌های دیگر نویسندگان هم‌وطنش برای ما ناشناخته مانده بود.

«تیم» در روزهای آتشین جنگ جهانی دوم کودکی بیش نبود و مانند بسیاری از چهره‌های ادبیات پس از جنگ آلمان، تجربه‌ی مستقیمی از کشتار و حضور در جبهه‌های نبرد را نداشت و آن‌چه را از جنگ به یاد دارد، یا از نامه‌ها و نوشته‌های برادر مقتولش و یا از خاطرات ملوان‌هایی است که در کافه‌های شهر زادگاه نویسنده - بندر هامبورگ - به نقل دیده‌ها و شنیده‌های خود از روزهای جنگ می‌پرداختند.

«اووه تیم» را همین خاطرات شفاهی و رفت و آمد مردم و انتقال تجربه‌های سفرهای دور و دراز ملوانانی که با پدرش - که او نیز دریانورد بود - نویسنده کرد. اساس نوشته‌های او بر بازسازی همین فضاهاست. در همین کتاب «راه دور و دراز خانه» بوی شرجی بندر و رفت و آمد کشتی‌ها و ازدحام دریانوردان چنان زنده و ماهرانه تصویر شده است که می‌توان به آسانی فهمید، او زاده همین فضاها و شهرهاست.

ردپای تجربه‌های دیگر زندگی نویسنده را باز هم می‌توان در این کتاب دید؛ بیش‌ترین ماجراهای کتاب در دو شهر پاریس و مونیخ می‌گذرد. راوی داستان که یک موش خانگی معمولی به نام «اشتفان» است در خیابان بهشت شهر مونیخ به دنیا آمده است و در سفری به دنبال «بهشت موش‌ها» به پاریس می‌رسد و در یک سفر دور و دراز با یک سیرک همراه می‌شود و سرانجام به آغوش خانواده‌اش در روستایی در حومه مونیخ باز می‌گردد.

«اووه تیم» خود ساکن مونیخ است و شاید به اندازه «اشتفان» با همه جای این شهر آشناست و البته «پاریس» را هم خوب می‌شناسد چون در آن شهر به دانشگاه می‌رفته است.

داستان «راه دور و دراز خانه» بر پایه‌ی یک مهاجرت استوار شده است به همین دلیل «جغرافیا» در آن حضوری روشن و تأثیرگذار دارد. «اشتفان»، این موش سرسخت و ماجراجو به ما نشان می‌دهد که در زندگی و عادت‌های زیستی‌مان تا چه حد به «جایی» که در آن هستیم وابسته‌ایم.

خانه‌ی قدیمی خانوادگی موش‌های خاکستری در خیابان بهشت، واقعاً یک بهشت تمام عیار است. اما این خانه به زودی تخریب می‌شود تا آپارتمانی شیک و مدرن جایگزین آن شود. بر آمدن ساختمان مدرن تا همه بنیادهای خانواده موشی را برهم می‌زند و همین امر باعث می‌شود که کانون متشکل خانواده برای به دست آوردن غذایی برای خوردن از هم بپاشد. در همین رفت و آمدهاست که «اشتفان» در یک قطار خانه می‌کند و یک سال و نیم در مسیر «مونخ - هامبورگ» بدون آن که کسی مزاحمش باشد زندگی می‌کند.

این زندگی در رفت و آمد، «اشتفان» را موشی ماجراجو و اهل سفر بار می‌آورد و به او یادآوری می‌کند که همواره به دنبال فضاهای تازه و تجربه‌های جدید باشد؛ از خطر انسان‌ها و گربه‌ها و مرگ‌موش‌ها ترسد و از پله‌های قطار و کشتی و اتومبیل بالا رود. «پی‌یر» موش فرانسوی در پاریس به او درس‌هایی آموخت که تا پایان سفر همراهش است:

«پی‌یر در موارد مربوط به چیزهای خوشمزه خیلی سخت‌گیر بود و همیشه می‌گفت:

- وویی، ذائقه آموختنی است موسیو! وگرنه ما در حد همان موش‌های اولیه

باقی مانده بودیم.



و اضافه می‌کرد:

- باید عاشق خطر بود.»

«اشتفان» از کودکی آموخته بود که موش‌های سوئسی در رفاه و خوشبختی کامل زندگی می‌کنند چرا که «ایزه گریم» سگ مهربان همسایه به او چنین آموخته بود:

ایزه گریم می‌گفت: شما که پنیر سوراخ‌دار را می‌شناسید، این پنیر سوئسی است. و می‌دانید که چه‌طوری این سوراخ‌ها در پنیر به وجود می‌آید؟ ایزه گریم هر بار در این‌جا، یک مکث کوچک می‌کرد. و ما با وجود این‌که قصه را بارها شنیده بودیم و هر بار باز هم می‌گفتیم: نه....

سپس ایزه گریم با آب و تاب می‌گفت: سوراخ‌ها به وسیله موش‌های سوئیس با هنرمندی جویده می‌شوند. چنان هنرمندانه که بعد در آن‌ها هیچ اثری از دندان موش نمی‌توان یافت. ما بچه موش‌ها دهن‌مان آب می‌افتاد.

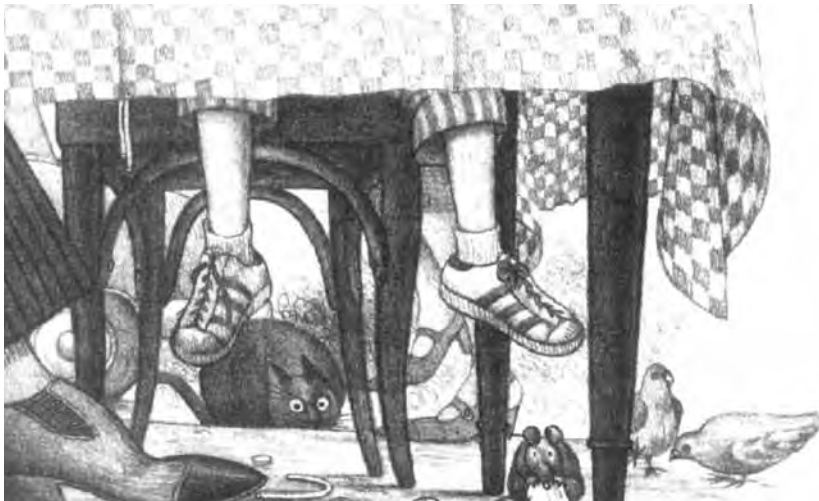
ایزه گریم ادامه می‌داد: این موش‌ها در سوئیس کارگران بسیار محترم و متخصصی هستند و بعد از این‌که مدرک مهندسی‌شان را بگیرند «پنیر جو» نامیده می‌شوند.»

«اشتفان» به خاطر آن‌که یک موش است، با آن جثه‌ی ضعیف و کوچک، به محیطی که در آن زندگی می‌کند وابسته است؛ زندگی در یک هواکش یا زیر صندلی قطار یا خیابان‌های پر از گربه پاریس هر کدام ویژگی‌ها و شرایطی دارد که با هم متفاوت‌اند؛ سختی‌ها و خوبی‌هایی که یکی دارد و دیگری ندارد. شاید هر موش دیگری جز «اشتفان» ترجیح می‌داد همان جایی زندگی کند که بقیه هستند اما او یک فرق مهم با همه افراد خانواده‌اش و بیش‌تر هم‌نوعانش دارد؛ او «انتخاب می‌کند» و برای این انتخاب کردن، خطرها را به جان می‌خرد و به دل مشکلات می‌رود.

به همین خاطر است که داستان زندگی اشتفان، آن قدر جذاب می‌شود که همه موش‌ها علاقه دارند آن را از زبان خود او بشنوند.

«ووه‌تیم» با خلق شخصیتی بانمک، بازیگوش و ناآرام مثل «اشتفان» و قرار دادن آن در کنار یک موش غرغر و اما وفادار به نام «ویلهلم»، یک جفت مکمل و





جذاب را برای تشریح مهاجرت پر دردسر اما خواندنی قهرمانان داستانش ایجاد می‌کند.

«راه دور و دراز خانه» با همه سادگی ظاهریش از شخصیت‌پردازی ظریف و تیزهوشانه‌ای بهره می‌برد. «اووه تیم» در بازنمایی شخصیت‌های داستانش بیش‌تر آن‌ها را موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که کنش و واکنش آن‌ها نشان‌دهنده خصلت‌های ذاتی و اختصاصاتشان باشد.

به همین دلیل در اولین خوانش داستان می‌توان شخصیت‌های آن را جداگانه مورد تحلیل قرار داد و به نقشه نویسنده برای خلق آن‌ها با ظرافت و دقت پی برد. «کارلو»ی گربه، «ایزه گریم» سگ همسایه، پدربزرگ موش‌ها، ایزولده موش کوچک، ویلهلم موش سوئیسی، پی‌یر موش اصیل پارسی، پش

خرس قهوه‌ای، خانواده موش‌های سفید سیرک، آقای سالامبوی دلک و... هر کدام ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که در پیشبرد داستان به کمک اووه تیم آمده‌اند و او در آفریدن این شخصیت‌ها چنان استادانه عمل کرده است که کم‌تر خواننده‌ای دست او را می‌خواند.

یکی از تکنیک‌هایی که «اووه تیم» بدون افتادن به دام اغراق و مبالغه بیش از اندازه، از آن بهره‌ی خوبی برده است، دیالوگ‌های هوشمندانه و استفاده از تفاوت لهجه‌هاست. با یک جمله از ویلهلم می‌توان به بخشی از ویژگی‌های شخصیتی او پی برد و البته به این نکته هم توجه داشت که همین یک جمله چقدر به «نمک داستان» افزوده است: «شایدیم به وقتی این‌جوری بوده اما حالا فقط ماخین‌ها این کارو انجام می‌دن ما موخ‌ها دیگه اون‌جا جایی نداریم. می‌دونی سوئیس دیگه سرزمینی برای موخ‌ها نیست این‌جا همه چی تمیزه».

«اووه تیم» با اشتفان موش فرزند و نترس و بانمک خود به خوانندگان حرفه‌ای ادبیات و نویسندگان کودک و نوجوان نشان می‌دهد که داستان خواندنی نه تنها برای خواننده کودک و نوجوان بلکه برای یک مخاطب بزرگسال از خیال‌انگیزی‌های شگفت‌آور و غرق شدن در فضاهای متحیرکننده خلق نمی‌شود.

بر خلاف تصور برخی که می‌پندارند هر متنی که از شدت پیچیدگی باعث مرعوب شدن خواننده شود، لزوماً به ادبیات فاخر می‌انجامد، موش بانمک «اووه تیم» به ما یادآوری می‌کند که حرف زدن برای بچه‌ها و سخن گفتن از مفاهیمی بزرگ هم‌چون اهمیت انتخاب، خطرپذیری در زندگی و مانند آن‌ها اتفاقاً از دل ساده کردن و ساده کردن و رسیدن به بی‌تکلف‌ترین و در عین حال جذاب‌ترین شکل روایت است. یک روایت خطی، درست اما جذاب که می‌تواند خواننده را بدون دردسر و تحمل رنج و خستگی به دنبال خود بکشد بر روایتی بسیار مبتکرانه اما پر از تکلف و گیج‌کننده برتری دارد و «اووه تیم» نشان می‌دهد که این کار را به خوبی بلد است.

بخش قابل توجهی از موفقیت نسخه فارسی «راه دور و دراز خانه» را باید مدیون ترجمه‌ی با حوصله و خوب «الهام مقدس» دانست که به روشنی قبل از این‌که مترجم صرف کتاب باشد، مجذوب روایت زیبایی داستان «اووه تیم» شده است و جایزه‌ی کتاب فصل را به درستی به او داده‌اند.

